Manifestations of Forensic Medical Intervention at Trial and Execution Punishment Stages

Mohammad Bagher Moghaddasi¹
Javad Yazdani², Abdolreza Javan Jafari Bojnordi³

Abstract

Among the different stages of the criminal process, the stages of trial and execution of punishment are very important because at the trial stage, the final decision was made on the person's criminality, and the previous actions of the criminal justice system were effective at the stage of the execution of the sentence, and the sentence is implemented. A look at legislative and judicial policy suggests that various professionals assist the criminal justice system in carrying out these tasks, among which the most important are legal doctors. The legal practitioners, through the criminal process, fulfill a fair trial and, while removing the ambiguity of the specialized issues at the trial stage, also facilitate the execution of the penalties. Therefore, the purpose of this study is to investigate the aspects of legal medicine intervention in the process of trial and execution of punishment. In fact, this research seeks to answer the question of how the doctors' participation in the trial and execution of punishment affects the criminal process. The method of doing research is descriptive-analytic and the collection of data and information is also scientific documents. A summary of the research reveals that forensic medicine has intervened in different stages of the trial and execution of punishment. At the trial stage, according to the type of punishment, the degree of medical intervention differs, that is, in the Qesas, forensic medicine theory has a large role in the judicial decision on the implementation or non-execution of punishment, in Diyat, the judge takes into account the amount of Diyea forensic medical theory, in Hodood the

1. Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Faculty of Humanities, University of Bojnord, Bojnord, Iran. (Corresponding author) Email: mbmoghadasi@ub.ac.ir
2. Master Degree in Criminal Law and Criminology, Allameh Tabataba’i University, Tehran, Iran.
3. Associate Professor in Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Original Article Received: 10 June 2018 Accepted: 6 April 2019
theory of forensic medicine doctrine has played an important role in proving or rejecting accusations, and in Taezirat, forensics medicine theories form an important part of the personality case. In the enforcement phase, forensics medicine sometimes contributes to the practice of punishment, sometimes prevents the practice of punishment and sometimes also provides health care.

Keywords

Forensic Medicine, Trial, Execution of Punishment, Accused, Convicted

Please cite this article as: Moghaddasi MB, Yazdani J, Javan Jafari Bojnordi A. Manifestations of Forensic Medical Intervention at Trial and Execution Punishment Stages. Iran J Med Law 2019; 13(50): 57-84.
جلوه‌های مداخله پزشکی قانونی در مراحل محاکمه و اجرای مجازات

محمدرضا مردمی
جواد یزدانی
عبدالرضا جوان‌جعفری‌بجنوردی

چکیده
از مبانی مراحل مختلف فرآیند کیفری، مراحل محاکمه و اجرای مجازات حائز اهمیت زیادی هستند. زیرا در مرحله محاکمه در خصوص به‌کارگیری فرد، تصمیم‌گیری نهایی شده و در مرحله اجرای مجازات، اقدامات فیلی نظام عادلانه کیفری به نمایش در حکم اجرا می‌کند. نگاهی به سیاست قضایی و قضایی نشان می‌دهد که مصوبه‌های نظام عادلانه کیفری را در انجام این وظایف باید می‌کنند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها پزشکان قانونی هستند. پزشکان قانونی با حضور در فرآیند کیفری، دادرسی عادلانه را تحقق بخشیده و ضمن رفع ابهام از مسائل تخصصی در مرحله محاکمه، اجرا مجازات‌ها را نیز به‌راه‌روی دیده‌اند. از این رو هدف این پژوهش بررسی جنبه‌های مداخله پزشکی قانونی در مراحل محاکمه و اجرا مجازات است. در واقع این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که حضور پزشکان در مراحل محاکمه و اجرا مجازات چه تأثیری بر فرآیند کیفری می‌گذارد؟ روش‌های اجرای تحقیق توصیفی - تحلیلی است. هدف اصلی تحقیق بین‌گذر این است که پزشک قانونی به روش‌های مختلف در مرحله محاکمه و اجرای مجازات مداخله دارد. در مرحله محاکمه با توجه به نوع مجازات، میزان مداخله پزشک قانونی متفاوت است. بدن معا که در قضا، نظریه پزشک قانونی نقش فراوانی در تصمیم‌گیری قضایی در خصوص اجرا و یا عدم اجرا مجازات‌دار این، در داده‌هایی در تبعیض بیشتر دیده نظریه پزشک قانونی را می‌فرستار

1. استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشگاه علوم انسانی، دانشگاه گلستان، بجنورد، Email: mbmoghadasi@ub.ac.ir

2. کارشناس ارشد حقوق جو و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم طبیعی‌های، تهران، ایران.

3. دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشگاه حقوقدان، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی
تاریخ دریافت مقاله: 1398/1/17
تاریخ پذیرش مقاله: 1398/2/20
تاریخ پذیرش مقاله: 1398/2/20
می‌دهد، در حدد محدودی زمینه‌ی حقوقی قانونی نقص مهمی در اثبات و یا رد اظهار انتسابی داشته و در تعزیزات
نیز نظریه‌هایی بین‌پیشک قانونی بخش مهمی از پرونده‌ی شخصیت را تشکیل می‌دهد. در مرحله اجرای
مجازات نیز پیشکی قانونی گاهی در اجرای مجازات مشارکت نموده، گاهی مانع اجرای مجازات شده و
گاهی نیز خدمات درمانی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی
پیشکی قانونی، محاکمه، اجرای مجازات، متهم، محکوم
مقدمه
نظام عدالت کیفری با گذار از مراحل کشف، تعقیب، تحقیق، محاکمه و اجرای مجازات تلشی می‌کند تا نظام اجتماعی را بازگرداشد و از بذل‌تندی احترام حق نماید. در سه مرحله تخته‌سازی، مقدمات لازم برای پروانه گردآوری می‌گردد. سپس در مرحله دادسری، دادگاه با تشکیل جلسات رسیدگی و بررسی ادعا، اقدام به صدور رأی مینماید و در نهایت محكومان طی فرآیند اجرای مجازات، سری استحاقی خوش را تحمل می‌کند.

در هر یک از این مراحل، قاضی دادگاه جهت صدور رأی صواب در هر مورد، نیازمند داشت اطلاعات صحیح از حقوق امر برآن موضوع است و در مواردی که دادسری درباره جسم و جان آدمی است، خود را نیازمند اظهار نظر تخصص در زمینه پزشکی می‌داند. برخی موارد این احتمال وجود دارد که جرم توسط مهی تا می‌باشد و نیاز به مراجعه به نفع منم، شود. همچنین در برخی موارد انتخاب جرم یا حتی انتخاب گناهان مهم، نیازمند انجام آزمایش‌های است که بر روی جسم و جان اشخاصی که سرقت می‌گیرد، هرچندکه این موضوع در مرحله اجرای مجازات نیز مشابه بوده و اجرای برخی مجازات‌های نیازمند صرف، می‌شود. ارزیابی در جسم محروم بوده و این موضوع مخاطرات زیادی را فراهم از اهداف مجازات به دنبال خواهد داشته، هم‌مانند اجرای قطع عضو و یا باشند نسبت به محدودیت قانونی که تخصیص در آن ضرورت داشته و ممکن است، تحقیق و آزمایش کرد. سلسله‌ای منظره از تخصص در چنین اموری، تخصص پزشکی است که بدون توجه به آن صدور حکم و همچنین اجرای مجازات به نحوی که عدالت اقتضا می‌کند، امکان پذیر نخواهد بود.

تحقیق مسائل پاداشده و همچنین بسیاری از موارد مشابه، صرفاً با تجریب قضایی و یا برخورداری از سواد حقوقدانی می‌تواند، بلکه این تخصص پزشکی است که می‌تواند به کمک دستگاه قضایی شناخته و مانع بروز عدالتی در این دستگاه عدالت بیشتر شود. این مهم نیازمند بی‌پایی زیرساخت‌های لازم جهت استفاده از تخصص پزشکی در فرآیند کیفری است. از این روست که نظام قانونی ایران با پیش‌بینی نهاد سازمان پزشکی کانونی کل، زمینه لازم جهت بهبود بسیار پزشکی را از تخصص پزشکی نورسوزی نموده و موجب شده است تا تخصص پزشکی به یاری فرآیند کیفری بیاید و به برقراری عدالت کمک کند. اما اینکه تا چه حد مقام‌های قضایی زمینه به بهبود بسیاری از تخصص پزشکی داشته‌اند و اینکه تا چه میزان به بهبود بسیاری از تخصص پزشکی در حوزه‌های مرتبط
به پزشکی تأثیر دارد، موضوعی است که نگارنده‌گان در نظر دارند در این تحقیق مورد بررسی قرار دهند. امکان که موضوع شد نگارنده‌گان، تأثیر پزشک قانونی بر فرایند کیفری را دغدغه خویش قرار داده و به پرسی جلوه‌های مداخله پزشک قانونی در این فرآیند بودارند، اما اهمیت این موضوع به حذف است که بررسی آن در چهارکش از توان خارج است، فنارش تحلیل مداخله پزشک قانونی در مراحل کشف، تعقیب و تحقیق در طرفی و تحقیق در زمینه مداخله پزشک قانونی در مراحل دادگاهی و اجرای مجازات از طرف دیگر نیازمند یز之举ه مجزا است.

از این رو در این نگارش نگارنده‌گان درصد آن هستند تا جلوه‌های مداخله پزشک قانونی در مراحل دادرسی و اجرای مجازات از تبیین نمایند. این رو سوالی که قلم در راستای یافتن پاسخ به آن به حرکت درآمده است، این است که نظیره‌های کارشناسی پزشک قانونی چه نقش و جایگاهی در مراحل دادرسی و اجرای مجازات دارد؟ براي پاسخ به این سوال، جلوه‌های مداخله پزشک قانونی در مراحل محاکمه و اجرای مجازات در دو مبحث مجزا تحلیل شده است. ابتدا با توجه به تأثیر متفاوت پزشک قانونی در تبیین مجازات هر یک از جراحات (پدیده‌های، دیابت، حمایت و تعزیت‌ها) به صورت جرم‌محور نقش آن در مرحله محاکمه بیان جاومد شد و سپس به صورت موضوعی با توجه به اینکه پزشکان مداخلات گوناگونی در اجرای مجازات دارند حسب نوع مداخله پزشکان، مداخله پزشک قانونی در اجرای مجازات تبیین خواهد شد.

مرحله دادرسی

پرونده کیفری بعد از تکمیل تحقیقات، احراز مجرمیت و صدور کیفرخواست، برای محاکمه و صدور حکم به دادگاه فرستاده می‌شود. این مرحله تعیین کننده سرنوشت متهم از حيث محكومیت با برانت وی از اطلاع انتسابی است. در این مرحله دادگاه اقدامات مختلفی که تاکنون صورت گرفته را مورد سنجش قرار می‌دهند و در نتیجه این اعتبارسنجی تدابیر لازم را جهت اظهار نظر نهایی و صدور حکم انجام می‌دهد. در سیاست‌های از موارد مقام قضایی جهت تعیین تکلیف و صدور حکم نیازمند همکاری پزشک قانونی است.

پرواز است که اتمام تحققات مقدماتی و صدور قرار جلب به دادگاه به معنای زام دادرس به صورت حکم عليه متمم نشست. ممکن است اقدامات صدور گرفته ناقض باشد و کشف حقيقة را برای دادگاه مشکل سازد. در چنین حالتی دادگاه می‌تواند با توسیع به اصل آزادی
تحصیل دیلی جامعه بازپرسی بر تن نموده و هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم است را انجام دهد. همچنین در برخی موارد انجام کلیه تحقیقات از وظایف دادگاه به شمار می‌رود. قانون‌گذاری انجام تحقیقات مقدماتی جرائم افراد کمتر از پانزده سال، جرایم منافع غیرنهاد و جرائم ارتكابی در حوزه قضایی‌ای به‌خص را بر عهده می‌گیرد. قضاوتی قرار داده‌است که هم‌چنین مواردی که این تحقیقات مقدماتی را انجام داده‌اند، هم‌سپری اساسی اساس تحقیقات به دادگاه و محاکمه می‌پردازد (1). در نتیجه در تمام این موارد کشف حقیقت، تشکیل پرونده شخصیت و... که به مرحله تحقیقات مقدماتی اختصاص دارد، ممکن است دادگاه را نیازمند اظهار نظر پزشکی نماید. امروز همین‌طور تشخیص بیشتر در حوزه تحقیقات مقدماتی است، اما همانطور که پیش از این بیان شد، بررسی مراحل پیش از دادگاه از رسالت نگارش این مقاله خارج است.

علاوه بر مواردی که در راستای انجام تحقیقات مقدماتی اظهار نظر پزشکی قانونی را ضرورت می‌بیشند، موارد متعادلی نیز وجود دارد که در مرحله رسیدگی و صدور حکم به اظهار نظر پزشکی قانونی نیاز است. از جمله این موارد تحقیق جنون ممکن در مرحله دادسری است، زیرا ممکن است بر اثر عواملی چون عدم توجه بازار بیشتری به وضعیت تنهایی، تحقیق جنون در مرحله دادسری و با عوامل دیگری جنون ممکن دارد. که با تألیف بوده است، وضعیت جنون ممکن تا پیش از مرحله دادسری مورد بررسی قرار نگرفته باشد. در این صورت چنانچه دادگاه در جریان دادسری احتیاط دهد متهم ممکن است، با تحقیقات لازم را به عمل آورد و نظر پزشکی قانونی را تحصیل نماید. امروز که ممکن است در صورت احراز جنون حسب مورب موجب صدور قرار موقتی تعقیب نتوانست، تقویت جریان دادسری و یا ادامه روند رسیدگی شود. موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که به عنوان مثال قانونی دادسری را در راستای صدور حکم باری می‌نماید. پزشکی قانونی به‌اشکال مختلف صدور حکم و تعیین جرایم مختلف انرگذار است (2). از این رو با توجه به تفاوت انرگذاری پزشکی قانونی در هر چند، در ذیل انرگذاری پزشکی قانونی در جرایم مختلف به تفکیک بررسی می‌شود.

1- قصاص

قصاص مجازاتی است که از دویچه در جامعه به‌وجود بیشتری و وجود داشته و ویژگی برایشان آن همانندی جرم و مجازات است. طبق قانون مجازات اسلامی اگر کسی به یک یا عضو دیدگری
اسب رسانه، حکم به قصاص او داده می‌شود. به طور کلی قصاص به دو حالت نفس و عضو تقسیم می‌شود. در قصاص نفس با احراز شرایط قصاص، حکم به سلب حقوق به عنوان حق اولیای دم صادر می‌شود. اما در قصاص عضو احراز شرایط عمومی قصاص کافی نبوده و شرایط دیگری لازم است. یکی از مهم‌ترین شرایط قصاص عضو که علمای دارای اتفاق نظر دارند، همانندی عضو آسیب‌دهنده مجروحیه و جانی و امکان رعایت مماثله است، يعني علاوه بر احراز ارتكاب جنايت منجر به قطع عضو، جرح و صدمه‌های وارد بر منافع، باید موراد دیگری همچون امکان رعایت تساوی در طول و عرض و عمق جنايت و نیز محترم گردید. جنایتی رعایت تمام شرایط عمومی و اختصاصی ممکن نباشد، مجازات تغییر گردد. از قصاص عضو به دیه نبیل می‌شود. به عبارت دیگر، هرچند قصاص حق مجویی علیه یکی اولیای دم است، ولیکن در برخی موارد این حق از بین می‌روید. امری که به طور کامل تحت تأثیر اظهار نظر پزشکی قانونی است.

در چنین مواردی پزشکی قانونی با اظهار نظر کارشناسی مشخص می‌کند که دادگاه باید جان را به قصاص عضو محکوم نماید و یا حکم به برداشت دیه صادر کند. 

با این که قانون‌گذار در ماده ۳۸۹ قانون مجازات اسلامی مجازات جنايت عمدی بر عضو را قصاص دانسته است، اما تحقیق این مجازات را مبنی به شرایط خاصی دانسته است. ماده ۳۹۳ قانون مزبور مقرر داشته در قصاص عضو علاوه بر شرایط عمومی قصاص، شرایط زیر با تفصیلی که در این قانون بیان می‌شود، باید رعایت شود:

- محل عضو مورد قصاص، با مورد جنايت بکی باشد.
- قصاص با مقدار جنايت، مساوی باشد.
- خوف لف مرتكب یا صدمه بر عضو دیگر نباشد.
- قصاص عضو سالم، در بربر عضو ناسالم نباشد.
- قصاص عضو اصلی، در بربر عضو غیر اصلی نباشد.
- قصاص عضو کامل در مقابل عضو ناقص نباشد.

همچنین ماده ۴۰۴ این قانون حکم مورادی را که در آن خطر تجاوز در قصاص عضو یا منافع وجود داشته باشد، را جایگزینی دیه و تعزیه به جای قصاص دانسته است. مسلمان بررسی مواردی همانند سلامتی عضو مورد قصاص، خوف لف مرتكب، خوف تجاوز به سایر اعضای... از صلاحیت مقام قضایی که علی از هرگونه تخصص پزشکی است، خارج است. در چنین مواردی...
اعطای اختیار تصمیم گیری به مقام قضایی که از تخصص کافی بردخوردار نیست، می‌تواند منجر به صدور حکم برخلاف عدلات شود. امروز که در نگاه با رساله‌ای که در تخصص و ضرورت اظهار نظر متخصص در چنین مواردی، نفوذ کننده‌ای برای انتصاب است که قاضی در صدور حکم اختیار مطلق داشته و می‌تواند بدون توجه به نظریه پزشکی قانونی اقدام به صدور حکم کند. صدور حکم در موارد باشگاه و سایر مواردی که اظهار نظر در خصوص آن، نیازمند برخورداری از تخصص پزشکی است، باید بر باه نظریه پزشکی قانونی باشد، در این صورت حکم صادر از اعتبار لازم بردخوردار نیسته و این موضوع به جهت احتکام به استقلال مقدم قضایی در صدور حکم به است که قانونگذار اظهار نظر پزشکی قانونی را شرط لازم برای صدور حکم دانسته است. همچنین نیاز به پزشک قانونی نیز می‌تواند دلیل دیگری بر این مدعای باشد. به همین منظور در چنین مواردی ارجاع به پزشک قانونی و کسب نظر کارشناسان این سازمان ضروری است. در این موارد دادگاه با توجه به این که موضوع تخصصی است اقدام به جلب نظر خبره می‌کند و در این رابطه نظر پزشک قانونی را جواب می‌دهد. هرج و مرج در نهایت تصمیم به دادگاه است، اما تصمیم دادگاه بر بایه اظهار نظر پزشکی قانونی بنا نمی‌گردد.

بنابراین می‌توان گفت پزشک قانونی در زمینه صدور حکم و تعیین مجازات قصاص نقش اساسی ایفا می‌کند، البته اینگونه پزشک قانونی در تعیین مجازات قصاص محدود به اظهار نظر در خصوص شرایط تحقیق قصاص عضو نیز و در بخش مواردی مبتنی علیه حکم جدایی نمی‌رود. از جمله این موارد تأثیر با تعیین نظر قاتل است، زیرا از مواردی که موجب تصمیم نیست و نظر به اظهار نظر در خصوص کشتن‌بودن اقدام مرتبک به لحاظ موضع سیاسی امری است تخصصی که اظهار نظر پزشکی قانونی را ضروری می‌خواند (۲). چنانکه توجه به رویه قضایی نیز مؤدی آن است دادگاه‌ها جهت روش‌شناسی این موضوع، از پزشک قانونی استفاده می‌کنند (۳).
جلوه‌های مداخله پسشکی قانونی در مراحل محاکمه و اجرای مجازات

علاوه بر این اظهار نظر در خصوص رشد و کمال کودکان، از موارد دیگری است که در آن نظریه پسشکی قانونی نیاز است. به موجب ماده 91 قانون مجازات اسلامی در جرائم موجب حد و قصاص، جنایه مرطوب بانگ و زیر 18 سال تمام باشد و در رشد و کمال وی شبه وجود داشته باشد، مجازات حذی و قصاص ساقط می‌شود. تبسمه 2 ماهه مذکور این امکان را برای دادگاه فراهم نموده است. تا اینکه تشخیص رشد و کمال عقل مرطوب، نظر پسشکی قانونی را استعمال نماید. بنابراین یکی دیگر از وظایف پزشکان در پسشکی قانونی انجام معاونتات و تأیید کرده روایی افراد زیر 18 سال است. به عنوان نمونه، در یکی از پرونده‌های مطرحه در دادگاه کرج‌ی استان جاسوسی، فرد 17 سالگی به اتهام قتل عمده تحت تعقیب قرار می‌گیرد. دادگاه با لحاظ وجود شک و تردید در رسیدن منبع به سن بلند فکری و جنسی، برات حاصل نموده و اتهام وی را قتل شبه‌عمد تشخیص می‌دهد. به دنبال اعتراف اوایلی دم، شعبه 42 دیوان عالی کشور رأی صادر را به دلیل عدم عيبی و وضعیت رشد و کمال مرطوب نقص و پرونده را جهت رسیدگی نماده به شیوه صادرگانه رأی ارجاع می‌دهد. شیوه دیوان در رأی خود بیان نموده است: نظر به اینکه ارتباط قتل توشیت مرطوب از سوی دادگاه احراز شده است، ولیکن به لحاظ وجود شک و تردید در رسیدن نامبرده به سن بلند فکری و جنسی، شیوه عمده تشخیص داده است. در حالی که وقی ماده 91 قانون مجازات اسلامی در مورد افراد بالگر متمت از هردو سال موضوع مطرحه عدم درک ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن و یا وجود شهید در رشد و کمال عقل می‌باشد که بررسی آن امری کارشناسی بوده و مستلزم اخذ نظریه پسشکی قانونی است که صورت نپذیرفته است...» (5). در این زمینه نتایج یکی از پژوهش‌های صورت گرفته بر روی متفاوت‌های گوه‌ری رشد عقلی مراجعه گردیده که پسشکی قانونی برای قابلیت توجه است. در این پژوهش که بر روی 71 نفر، شامل 9 نفر مجرم و 62 نفر غیر مجرم صورت گرفت، نشان داد که مجرمن زیر 18 سال تحت بررسی، مجموعاً از هوش عقلی، هوش هیجانی و مؤلفه تنظيم، هيجان بسيار پاپین بر ۱۸ سال تحت بررسی افراد متفاوت حکم رشد مذکور نموده و درخواست نمودار و نسبت به افراد متفاوت حکم رشد مذکور پرونده (6). بنیادهعده اخذ نظر کارشناسی پسشکی قانونی در چنین مواردی می‌تواند موجب صدور احكام قضایی ناعادلانه شود.
دی‌دیات
از موضوعات اساسی که دادسر جهت صدور حکم با آن مواجه است، تعیین مبلغ دیه است.
دی‌ب مکی از مجازات‌های جهانی‌گانه مصرف در قانون مجازات‌های اسلامی است. قانون‌گذار باید به دو نوع مقدر و غیر مقدر تقسیم نموده است. دی‌ب مقدر مالی است که میراثی در شرع می‌شود، دی‌ب جنایی که میزان آن در شرع مشخص نشده، دی‌ب غیر مقدر نامیده می‌شود (7). برای اینکه دادسر بتواند جانی را محکوم به پرداخت دیه نماید، لازم است مبلغی که محکوم باشد پرداخت کند. این در حکم خوشی قید کند. این امر مستلزم ارزیابی و اظهار نظر در خصوص موضوعاتی است که از توان مقدم قضایی خارج است. به عنوان مثال دیه فرد خنثی به لاحق اینکه ملّح به مرد باشد یا زن متفاوت است، امروز که تشخیص آن نیازمند معاونتی پزشکی است. همچنین نیاز به 2 ماده 545 قانون مجازات‌های اسلامی مقرر داشته که به بررسی این موضوعات مراجعه می‌شود. آیا در چنین مواردی مقام قضایی تعيین مبلغ دیه بدون اخذ نظریه پزشکی قانونی را دارد؟ مستند آمیزی منفی است. مستندی همچون تعيین میزان جراحات، نوع جراحات، تشخیص درمان با عیب یا بدون عیب و... از توان مقدم قضایی خارج بوده و نیازمند مداخله پزشکی قانونی است. اعتنایی مقام قضایی به نظر خوشی در این موارد تحقیق عدالت را دشوار می‌سازد. همچنین در پژوهش نشان داده شد که از میان 42 موردی که مقام قضایی شخصاً اقدام به تعیین میزان ارش نموده بود، در 22 مورد به اشتراک میزان خسارت تعیین شده است (8). بنابراین مقام‌های قضایی باید در بروندی‌های مرطوب به تعیین دیه ارزیابی دیه از نظریه‌های پزشکی قانونی استفاده کند. با این حال ضروری است قانون‌گذاری ساز و کار لازم جهت ارائه امر به پزشکی قانونی در موارد مربوط را پیش‌بینی کند.
قانون‌گذار در خصوص دیه غیر مقدر صرفاً با اخذ نظر کارشناسی (پزشکی قانونی) تأکید کرده است. ماده 249 قانون مجازات‌های اسلامی مقرر داشته که: «دادگاه با لاحظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنون و میزان خسارت وارد به در نظرگرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناسی میزان آن را تعیین می‌کند.» هرچند قانون‌گذار در خصوص تعیین دیه مقدر به لزوم اخذ نظر کارشناسی اشاره نكرده، اما این به معنایی بهتری از مداخله پزشکی قانونی در این زمینه نیست، زیرا تعیین مبلغ دیه پس از مرحله تشخیص نوع اسبب و جراحت
فصلنامه حقوق پسشکی                          سال سیزدهم، شماره پنجاهم، پاییز 8931

جلوه های مداخله پسشکی قانونی در مراحل محاکمه و اجرای مجازات

است و مقام قضایی با توجه به اطلاعاتی که کارشناس در اختیار یو قرار می‌دهد، مبلغ دیه را
تعیین می‌کند، بنیاد ابتدا نوع، عمق، طول و عرض آسیب و جراحت و امکان بهبودی و عدم آن
توسط پزشک تعیین می‌شود و قاضی بر اساس این نظره صرفه مبلغ آن را تعیین می‌کند. به
عبارت دیگر تعیین دبه امری دووجهی است. وجه پزشکی جهت تعیین نوع، محل و عمق و علته آسیب و عوارض احتمالی و مدت زمان بهبودی و... وجه قضایی جهت استناد به مواد
قانونی و صدور حکم به پرداخت دبه و ارشد (۹) بنابراین در تعیین هر یک از انواع دیات،
پزشکی قانونی نقش مستقیم دارد. از این رو روبه قضایی اهمیت ویژه‌ای به معاینات پزشکی
قانونی می‌دهد. به گونه‌ای که قاضی با ملاحظه نظره پزشکی قانونی درباره ضرر و جرح و
عقم و ضایعات ناشی از آن حکم پرداخت دیه صادر می‌کند. از این موارد گواهی‌های صادره
اثری قاطع در نحوه صدور احكام دارد. به همین منظور در سارمین پزشکی قانونی بخش
معاینات بالینی عمومی در نظر گرفته شده است تا افرادی که دچار ضرب و جرح می‌شوند یا از
طريق دیگری آسیب می‌بینند را معاینه کند. حدود ۸۵٪ پرونده‌های ارجاعی به این بخش
مربوط به تعیین میزان جراحت و تعیین ارش و نقش عضو و از کارآفرینگی است (۱۰). بنابراین
با توجه به روبه قضایی در زمینه تعیین مبلغ دیه می‌توان گفت که در حال حاضر به طور غیر
مستقیم صدور حکم یک توسط پزشکی قانونی صورت می‌گیرد و صرفه نگارش رأی و رعایت
تشریفات دادرسی با مقام قضایی است. پزشکی قانونی میزان جراحت و آسیب را منطق با
چارچوب قانون تعیین می‌کند و مقام قضایی تنها به تطعیف آسیب با مفاد دیه می‌پردازد.

۳- حدود

در قانون مجازات اسلامی داووده عنوان مجرمانه ذلی جرائم حذی بیان شده است. از میان
جرایم حدی داوودکه در جرائم شرب خمر و جرائم جنسی (در برخی موارد) تصمیم گیری
مقام قضایی نیازمند اخذ نظره پزشکی قانونی است.

مقام قضایی برای تعیین سرنوشت مبهم و صدور حکم پایه دلایل موجود در پرونده را
ارزیابی می‌نماید. اقرار، شهادت و علم قضایی دلایلی هستند که اثبات جرم و صدور حکم در جرایم
حدی را ممکن می‌سازند. از میان دلایل مزبور علم قضایی از مهم‌ترین دلایل به شمار می‌رود.
قضایی دادگاه در صورت حصول یافتن می‌تواند اقدام به صدور رأی نماید. اما نمی‌تواند به استناد
علم شخصی (مانند این که مقام قضایی خود جرم ارتكایی را مشاهده نماید) حکم بر محکومیت
منتهی صادر کن (11): بله که این بر اساس قطعنامه و اعمال موجود در پرونده به علم رسیده باشد و قطعنامه و اعمال قبل مستند علم خود را نیز در حکم قید نماید، یکی از اعمالی که می‌تواند در ایجاد قناعت و جدایی قاضی نقش داشته باشد، داده‌های پزشکی قانونی است. داده‌های پزشکی قانونی از زمینه اعمال قضایی به شمار می‌رود که در پرونده پیشرفت علم در سال‌های اخیر، افق‌های توپی از کشف علمی جرایم را به روش بشر گشوده‌اند. مرکزهای شرب خمر و جرایم جنسی داده‌های آزمایشگاهی را مانعی جهت فراد از تجمل مسئولیت جرم ارتکابی می‌پردازد.

نقش داده‌های آزمایشگاهی که توسط سازمان پزشکی قانونی ارائه می‌شود، در اثبات این گونه جرایم بسیار برجسته است. زیرا از طریق این گونه جرایم به صورت مخفی‌نگاری ارتکاب یا پیامدها. در نتیجه اثبات آن با شهادت یا غیر ممکن است. دوباره تحلیل عقاید نیز افراد را منتفی می‌سازد. در این زمینه علم قضایی با استفاده نظورهای پزشکی قانونی می‌تواند راهکاری باشد. البته یکی کشف عده‌ای با استفاده از موضوعی داشتن ادله اثبات در جرایم حق‌اللهی، مخالف اثبات جراحی همچنین شرب خمر و جرایم جنسی با علم قضایی هستند (12). در این‌صورت اشاره به یکی از آرای محاکم تجدید نظر قابل توجه است. بر اساس این رأی، هر یک از اعمال به‌صرفه آزمایشنگاری که پزشکی قانونی فرستاده شود در حالت و گواهی پزشکی قانونی معنا را اخذ نمی‌نماید، و بناگر وجدود مقادیر پسیار زیادی از این اعمال هر یک، بگونه‌ای در دادگاه‌های مورد مطالعه پذیرفته می‌شود (13). به دلیل می‌رسد این روند در این حالت اخواز شده که از دید محاکم همیشه اختلاف خط‌ها در اخواز و یا اعلام نتیجه آزمایش پزشکی قانونی وجود دارد. بنابراین به دلیل اینکه همیشه اختلاف شهباز وجود دارد، فلسفه بر اساس قاعده «تدریج الحدود بالبهانه»، نظرهای پزشکی قانونی به تنهایی جهت مدیر حکم به اعمال جراحی در رهگیر علم قضایی، مانعی چه اعمال شرب خمر و جرایم جنسی با علم قضایی ویژه در اعمال جراحی اسلامی علم قضایی را در کلیه جرایم قابل استناد و حتی بر سایر ادله مرجع دانسته است (14). مضاف بر این، به توجه به پیشرفت فناوری، می‌توان اداه تعیین که اختلاف خط و اشتیاق که مانع شد به صفر است.

مسائلی مانند وجدود یا عدم وجود کلک در خون پسیار کم و ندیده به سفر است.
در نهایت باید گفت نظریه‌های پزشکی قانونی همیشه در راستای اثبات جرم و محكومیت منتهی حرکت نمی‌کنند. بلکه در زمینه تحصیل پزشکی و تبیین مهندسی جرم‌نگاری نیز از اهمیت فوقالعاده‌ای برخوردارند. به عنوان مثال، جنگجویان مشرک شده در ملاقات دهندگان نوبت می‌شود، اما نظریه پزشکی قانونی مبنی بر عدم دخول موضوع بر روی شهید و سقوط می‌شود. زیرا ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته در جراحی حیدر از جمله جراحی جنگی و شرب خمر همواره و بهبود نیاز به حفظ دلیل حسب مورد برای شرط مذکور ثابت نمی‌شود. در این زمینه در این دو دیده که امده است «اگر گزارش پزشکی قانونی در جرم، جنازه بدرفت در محفظه واقع بر خرم که دو شاهد به انتساب یا به دروغ، استفاده از این شرب خمر قدر اشتباهی را داشته باشند که در این موارد نظریه پزشکی قانونی مبنی بر عدم استعمال مشروب، از مجازات فرد به عنوان جلوگیری خواهد کرد.

۱۰ ۶۶ تغییرات

تاکید و اختیارات دادگاه در اعمال مجازات تعزیتی بیشتر از سابقه مجازاتها است. زیرا در حدود قضا و دیگر مجازاتها ثابت هستند و دادگاه تنها مجازاتها را را که از قبل برای هر جرم بیشتری است، بر مرتکب اعمال می‌کند. همچنین در تخلیه مزور در اعمال جرم دادگاه مکلف به صدور حکم و اعمال مجازات اس و نیم تواناد در صدرای اصل فردی کردن مجازات‌ها در نظر گرفته شده است. استفاده می‌کند. با این حال که در جراحی تعزیتی دادگاه به معیارهای زیادی در صدور حکم و تعیین مجازات نوگر نیز. از که طرف دادگاه در تعیین میزان مجازات از حداکثر اختیار دارد و از طرف دیگر می‌تواند از نهادهای همچنین تخفیف مجازات، تعیین صدور حکم، تعیین اجرای مجازات و... نیز استفاده کند. (۱۶) با این حال استفاده از چنین نتایجی و همچنین تعیین میزان مجازات از حداکثر با دلخواه مقام قضایی نیست، بلکه مقام قضایی باشد با لحاظ عوامل روانی، جسمانی و اجتماعی
مرکب، حکم محکومیت صادر نمی‌شود. تحقیق این مسئله در گروه جمعی اطلاعات مربوط به
مهم‌تر است. بنابراین به منظور پرداخت به زوال‌ای شرایط مربوط، تشکیل پرونده‌ای می‌جو
از پرونده قضایی تحت عنوان پرونده شخصیت در نظر گرفته شده است. هدف از تشکیل پرونده
شخصیت، توجه به وضعیت جسمانی، روانی و اجتماعی مرکب در اتخاذ تدابیر، همگام با اصل
فردى کردن مجازات‌ها است (۱۷). پرونده شخصیت سبب ایجاد مقام قضایی با وضعیت
جسمانی، روانی و اجتماعی مرکب از رهگذر گزارش‌های پژوهشی، روانپزشکی و مددکاری
اجتماعی می‌شود و مقام قضایی را در درک بهتر وضعیت مرکب و اتخاذ تصمیم قضایی مناسب
و تعبیر نوع و میزان کیفر برابر بیماری مرسند. بخشی از پرونده شخصیت مربوط به
اطلاعات ناشی از معاینات پزشکی است (۱۸). پزشکی قانونی با معایناتی که انجام می‌دهد
می‌تواند گام مؤثر را جهت تحقیق اصل فردی کردن بردارد.

به منظور تشکیل پرونده شخصیت نیاز ایست برای جلسه شخصیت است. مراجع و ساختار مستقلی متشکل از
مختصات و کارشناسی رشته پزشکی، روانپزشکی، مددکاری اجتماعی و... تشکیل‌گردیده و
مخصوصاً آزمایش‌های آزمایش‌هایی را که بر روی منظم انجام داده و در اختیار مقام قضایی قرار داده‌د. در
فرضیه به عنوان معایناتی که نگهداری در این زمینه، مرکز خاصی به نام مرکز اسکیپاسیون
لایه‌ای است که در آن مجموعه تحقیقات، بررسی‌ها و آزمایش‌های تخصصی و تخصصی
شناسی شرکت پژوهش و تشکیل پرونده شخصیت ضرورت دارد، صورت می‌گیرد (۱۸).
برای تشکیل پرونده شخصیت پیش‌بینی شده است. این موضوع در حالی است که در سازمان
پزشکی قانونی ایران، چنین خصوصیتی وجود ندارد. این روی بهتر است در جهت عمل به
رهیافت‌های پرونده شخصیت، مرکز خاصی در سازمان پزشکی قانونی برای این هدف اختصاص
یابد.

هرچند پزشکی قانونی از رهگذر اطلاعاتی که از طریق پرونده شخصیت در اختیار مقام
قضاوت قرار می‌دهد، تأثیر فراوانی بر تعیین مجازات تعزیری می‌گذارد. اما تأثیر آن به مورد
یادشده، محدود نمی‌شود. پژشکی قانونی می‌تواند از طریق اقدامات درمانی که کارشناسان آن
سازمان انجام می‌دهد نیز موجب عدم عمل مجازات بر مهندش دشود. قانون‌گذار در مواد ۴۰ و
قانون مجازات اسلامی این اختیار را به دادرس داده است تا با استفاده از نهایت‌های تعویق صدور
حكم (در جرائم تعزیری شش تا هشت) و تعلیق اجرای مجازات (در جرائم تعزیری سه تا

فصلنامه حقوق پسشکی
سال سیزدهم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۹۱
جلوه های مداخله پسشکی قانونی در مراحل محاکمه و اجرای مجازات

۱- مشارکت در اجرای مجازات

امثال در اجرای مجازات، علی‌السمایی فسا، افتاده‌کننده و فراوانی برخوردار است. اعمال
دیگر نیز نیاز است تا میدان‌گذاری‌های پزشکی قانونی با حضور خود در فرآیند اجرائ
می‌گیرد. در آنها باید از مراحل مراحل بگردد بدون ملاحظه این موضوع

۲- اجرای اجرای مجازات

به محض وقوع جرم و پس از سری‌الشدن مرحله دادرسی، دادگاه حکم مجازات را صادر
می‌کند. بنابراین حکم مجازات قانونی برای اجرای حق محاکمه مشخص می‌شود. با اجرای
می‌حال و در نظر قرار داده می‌شود. مگر این‌که اجرای مجازات با بررسی دادگاه، برجای
و جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهند (مجری مجازات). برخی دوگانه به جای برخی به
جرم جرم، اصول و ارزیابی محاکمه را مورد تعرض قرار داده و روح وی را می‌آورد
(مجری مجازات های غیر بندی). در مواردی که موضوع مجازات، حضور نماینده
پزشکی قانونی ضرورت دارد، به‌همین‌طور که این مجازات به‌طور معمول هیچ‌گونه
پزشکی قانونی مانند نیست، نیز نشان دهنده ضرورت می‌باشد. این موارد نماینده
پزشکی قانونی با حضور خود در اجرای
می‌گیرد. همگی مجازات‌ها به‌طور مدت مداومی انجام می‌دهند (۲۰).
برخواسته‌اند، مخالفان معتقدند حضور پزشکان در اجرای مجازات بینان اعتقال عمومی جامعه به حرفه پزشکی را خدشه‌دار می‌دانند. همچنین معتقدند که حضور پزشکان مخالف اصل ضروریاتان است که در سوگندانه بقای بر ترک چنین کاری تأکید شده است (۲۰). با این وجود، قانون‌گذار با در نظر گرفتن سالانه همچنین ورود پزشکان از مجازات بین حضور و حقوق پزشکان در اجرای بخشی مجازات‌ها را به صورت مستقیم، بلکه به صورت غیر مستقیم ضروری دانسته است. پزشکان در اجرای مجازات‌ها، سپس حیات، قطع عضو و حیس، به اشکال گوناگون دخالت می‌کنند.

1- سل‌حبیت‌ها: سل‌حبیت‌ها شدیدترین نوع مجازات است که نتیجه آن سداندن جان محسوب و محرومیت یو از ادامه زندگی است. اعدام، قصاص نفس، رحم و صلب از انواع مجازات‌های سل‌حبیت‌ها است. در خصوص نحوه اجرای این گونه مجازات‌ها تأثیر نقشی‌ها در اجرای احکام قصاص، رحم، قتل، صلب، اعدام و شلاق (۱۳۸۲/۱/۲۷) تصویب شده است.

به موجب بند «ماده ۷» ماده ۷ آیین‌نامه مزبور و ماده ۵۴۳ قانون آیین دادگستری کبیر، حضور پزشک قانونی با ارزش معتقد در اجرای حکم سل‌حبیت صورت حین دارد. پزشک در اجرای حکم سل‌حبیت م مجری حکم سل‌حبیت دو مرحله ایفا می‌کنند. یک بار پیش از اجرای مجازات و یک بار پس از اجرای مجازات. بر اساس ماده ۸ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رحم، قتل، صلب، اعدام و شلاق، «قبل از اجرای حکم، پزشک قانونی با ارزش معتقد به اتفاق قاضی مجز و حکم محسوب مکروه و از اصلاح هر شرایط، توسط منتسب به اختیار نسبت، پزشک تشخیص دهد که مرتكب، نمی‌تواند بیش از دومین شوری شود و متوجه علت اجرای مراسم نیست، پزشک قاضی شور می‌کند تا در صورت امکان قاضی اجرای احکام مجازات‌ها را به تعقیب بینندار (۱۳۷۲) با عبارت دیگر پزشک یکی از اقدامات مقدماتی اجرای مجازات‌ها انجام می‌دهد و نظر به جهت ادامه روند اجرای حبس از نظر تا امتباز است. پس از مداومت می‌توهم و اعلام نظر پزشک مبنی بر امکان اجرای مجازات مجازات اجرایی می‌شود. کلیک دیگر پزشک که سپس از ادامه عملیات اجرایی بر عهده وی قرار می‌گیرد، متعهدین جسد و اطلاعات نظر در خصوص قوت با عدم آن است. ماده ۱۸ آیین‌نامه فوقالذکر در این زمینه مقرر می‌دارد سپس از اجرای حکم، جنایت به تشخیص پزشک قانونی با پزشک معتقد اطلاعات مربوط به حکومه خواست. از محل اجرای حکم خارج و جسد تحویل پزشک قانونی می‌شود.» با توجه داشت که اطلاع نظر در
فصلنامه حقوق پسشکی
سال سیزدهم، شماره پنجم، پاییز 8931

جلوه های مداخله پسشکی قانونی در مراحل محاکمه و اجرای مجازات

2- قطع عضو: این نوع مجازات در دو صورت علیه محکوم اجرا می‌شود. گاهی به علت ارتكاب جرایم حادی (سرقت و محاصره) و گاهی به علت ارتكاب جنایت مستحکم قصاص عضو. در هر دو حالت جسم محکوم مورد تعرض قرار می‌گیرد. رعایت مماثلات و مسایل در ارگ‌گونه مجازات‌ها، ضرورت حضور پزشکی قانونی را نیازمندی می‌سازد. به همین منظور فاقدانگار به موجب ماده 24 «این‌نامه نحوه اجرای اجواب قصاص، رحم، قتل، صلب، اعدام و شلاق». حضور پزشک در ارگ‌گونه مجازات قطع عضو را ضروری دانسته است. هر چند ماده 419 قانون مجازات اسلامی اجرای قصاص و مبانی در آن را حق مجنی عليه یا ولی دم دانسته است و همچنین اجرای قطع عضو به وسیله ماموران اجرا صورت می‌گیرد. اما پزشک نش اساسی در ارگ‌گونه مجازات‌ها باید می‌کند. رعایت مماثلات، فاقدانگاری حدود طول و عرض، بیم تجاوز، سرایت و... مواردی هستند که به جهت حساسیت عالی که دارد نظرت پزشک را از آن‌ها تأثیر می‌خشد. همچنین حضور پزشک محدود به نظارت بنده در ورود موارد انجام بزخی اقدامات نیز در زمینه اجرای مجازات بر عهده پزشک است.

با توجه به ماده 444 قانون مجازات اسلامی «قصاص کردن مرکب در جنایت بر عضو، بدون بیهوشی کردن و یا بر حسب کردن عضو او، حق مجنی عليه است. مگر این که جنایت در حال بیهوشی یا بر حسب عضو مجنی عليه اتفاق افتاده باشد.» در نتیجه این امکان وجود دارد که برای اجرای مجازات قصاص عضو عملیات بیهوشی یا بر حسب مقدمات اجرا مجازات را فراهم آورد. بنابراین لازم است که پزشک در اجرای مجازات قطع عضو و قصاص عضو حضور یافته و نظارت کامل داشته باشد. علاوه بر این، در مواردی که بیهوشی کردن مرکب و بر حسب کردن عضو وی مجاز است، نسبت...
به عملیات بیهوشی و یا حسین اقدام نماید، البتهبا توجه به آنچه هدف از اعمال مجازات قطع عضو، تحمیل درد و رنج بر مرتکب نیست. بهتر است این اقدام با استفاده از تجربیات علم پزشکی و با استفاده از روش‌های پزشکی که کمترین میزان درد و آسیب را بر مرتکب به همراه دارد، انجام شود. به همین جهت بهتر است چنان اقداماتی توسط پزشکان صورت گیرد.

3- حبس: در مجازات حبس، که در نظام کیفری ایران بیشتر از هر مجازاتی مورد حکم قرار می‌گیرد، فرد محکوم برای مدت معینی و در برخی موارد تا ابد در زندان تغییری می‌شود.

در خصوص نحوه اجرای مجازات حبس «آیین‌نامه اجرای سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» (۱۳۸۴/۹/۲۰) تصویب شده است. در این آیین‌نامه مواردی ملاحظه می‌شود که اجازه هرچه بهتر مجازات حبس را نیازمند مداخله و اظهار نظر پزشکی لازمی داشته است. ازجمله این موارد اظهار نظر پزشکی قانونی در خصوص وضعیت جسمانی و رویه محکوم جهت طبقه‌بندی در زندان است.

یکی از اصول اساسی و بنیادین روش‌های اصلاحی و تربیتی در زندان‌ها، طبقه‌بندی و تفکیک زندان‌بانان از یکدیگر و اساس آن‌ها در زندان‌های مخصوص است. طبقه‌بندی زندان‌بان به لحاظ سن، نوع جرم، وضعیت جسمانی و روایتی و... انتظار تربیتی و اصلاحی و رسیدن به هدف نهایی، معنی‌داری دارد که کارکنان قواعد شرط‌ها حائز اهمیت است. تجهیز نشان داده که همه افرادی که به زندان وارد می‌شوند، اشخاص سالم و ندرست نیستند. عده‌ای از محكومان اصولاً افرادی ناتوان و با بیمار جسمی و روایتی هستند. تشخیص بیماری افراد نیازمند معاینه توسط پزشک است. در این خصوص نمی‌توان به ادعای محکوم اکتفا نمود، زیرا با توجه به این که بیماران دارای حقوق ویژه‌ای نسبت به سایرین هستند (۲۲۳)، این امکان وجود دارد که افراد سالم نیز جهت برهخورداری از حقوق بیماران، خود را بیمار جلوه دهند. به همین دلیل قانون‌گذار در ماده ۴۴ «آیین‌نامه اجرای سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» مقرر داشته که محکومان باید جداکنند از ماه در قسمت پدیده و تشخیص، تحت آزمایش‌های پزشکی و روان‌پزشکی قرار گرفته و میزان سلامت جسمانی و روانی آنان تعیین گردد.
2- ممانعت از اجراي مجازات

از جمله مباحثي که در زمینه اجراي مجازات مطرح ميشود، امکان تحمل كيفر توسط محاکم است. در برخی موارد وضعیت خاص بيمار به گونه‌ای است که بيمار مجبور به تحمل كيفر است؟ ایا اجراي مجازات بيماري ممحوم را تشدید نمي‌کند؟ ایا اجراي كيفر بيخوده بيماري خواهد شد؟

جهت پاسخ‌دهي به این سؤالاتي در مواردي که احتمال بيماري محكوم باشد و یا خود محكوم ادعای بيماري کند، محكوم جهت معايشه به پزشكي قانوني از امام و معايشه ميشود.

پزشک پس از معايشه محكوم در خصوص وضعیت جسماني و روانی بيمار اظهار نظر مي‌كند. اظهار نظر پزشكي قانوني ممکن است موجب به تعویق اجراي مجازات شود. همچنين در برخی موارد اظهار نظر پزشكي قانوني اجراي مجازات را به طورکلي منتفی مي‌سازد.

قانونگذار به موجب ماده 50 قانون اپن دادرسي كيفر بيماري جسمي و روانی محكوم را موجب به تعویق اجراي مجازات دانسته است. به موجب ماده مذكور «هرگاه محكوم عليه به بيماري جسمي و روانی مبتلا باشد و اجراي مجازات محروم بحث و ای اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجراي بيماري و یا اجра
لزوم به تعمیق افتادن کیفر باشد، اجرای مجازات به تعویق می‌افتد. به عبارت دیگر به موجب اظهار نظر پزشکانه، اجرای مجازات به صورت بی‌نهایت، متوافق می‌شود.

علاوه بر این در برخی موارد ممکن است نظریه پزشکی قانونی موجب توقف دائمی اجرای مجازات شود. قسمت اخیر ماده ۵۰ قانون ایمنی‌های مصرف می‌دارد «قانعه در جرائم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشند، قاضی اجرای احکام کیفری بس از احراز بیماری مکرمه علیه و منع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر با دنبالگردی نمی‌مانند. فی اعمال و مجازات به مرحله صادقتنده رأی قطعی ارسال می‌گردد.» همانطور که ملاحظه می‌شود در این ماده تنها به جرایم تعزیری اشاره شده است، زیرا مجازات‌های حاد و قصاص قابلیت سپرد و تبدیل تدارکات حتی اگر محاکم دچار جنون شود، همچنان مجازات‌های مذکور به اجرای درم‌آوردند (۰۴).

در تمام موارد مذکور محاکم به توسط پزشکی قانونی معناشوند. صرف ادعای مقرر و بدون انجام معاینه‌ها و آزمایش‌های تخصصی نمی‌توان حکم به معافیت از تحمل کیفر داد با اجرای مجازات را به تعویق انداخت، زیرا در برخی موارد ممکن است محاکم جهت فرار از تحمل کیفر به ادعای کمک منجر شود. در برخی موارد ممکن است محاکم واقعاً بیمار باشد، اما بیماری وی در حین نیازمند موجب عدم توانایی وپزشک قانونی معناشوند. صرف ادعای مقرر و بدون انجام معاینه‌ها و آزمایش‌های تخصصی نمی‌توان حکم به معافیت از تحمل کیفر داد با اجرای مجازات را به تعویق انداخت، زیرا در برخی موارد ممکن است محاکم جهت فرار از تحمل کیفر به ادعای کمک منجر شود. در برخی موارد ممکن است محاکم واقعاً بیمار باشد، اما بیماری وی در حین نیازمند موجب عدم توانایی و

در تمام موارد مذکور محاکم به توسط پزشکی قانونی معناشوند. صرف ادعای مقرر و بدون انجام معاینه‌ها و آزمایش‌های تخصصی نمی‌توان حکم به معافیت از تحمل کیفر داد با اجرای مجازات را به تعویق انداخت، زیرا در برخی موارد ممکن است محاکم جهت فرار از تحمل کیفر به ادعای کمک منجر شود. در برخی موارد ممکن است محاکم واقعاً بیمار باشد، اما بیماری وی در حین نیازمند موجب عدم توانایی و

در تمام موارد مذکور محاکم به توسط پزشکی قانونی معناشوند. صرف ادعای مقرر و بدون انجام معاینه‌ها و آزمایش‌های تخصصی نمی‌توان حکم به معافیت از تحمل کیفر داد با اجرای مجازات را به تعویق انداخت، زیرا در برخی موارد ممکن است محاکم جهت فرار از تحمل کیفر به ادعای کمک منجر شود. در برخی موارد ممکن است محاکم واقعاً بیمار باشد، اما بیماری وی در حین نیازمند موجب عدم توانایی و

در تمام موارد مذکور محاکم به توسط پزشکی قانونی معناشوند. صرف ادعای مقرر و بدون انجام معاینه‌ها و آزمایش‌های تخصصی نمی‌توان حکم به معافیت از تحمل کیفر داد با اجرای مجازات را به تعویق انداخت، زیرا در برخی موارد ممکن است محاکم جهت فرار از تحمل کیفر به ادعای کمک منجر شود. در برخی موارد ممکن است محاکم واقعاً بیمار باشد، اما بیماری وی در حین نیازمند موجب عدم توانایی و
بیماران دالی‌بی و... از جمله بیماری‌هایی که اجرای شلاق را منتفی می‌سازند. همچنین بیماری‌های همجنس‌سوی نیز باید مورد بحث قرار گیرد.

جوله‌های مداخله پسشکی قانونی در مراحل محاکمه و اجرای مجازات

تیم است. این در حالی است که همان‌طور که گفته شد، بر اساس تبصره ماده 502 قانون ایمن‌الدین کیفری، امکان تعویق اجرای مجازات به جهت بروز بیماری متوقفه در مراحل محاکمه‌ای است. این امر حکم‌دار حق اجرای ادعا را در زمان اجرای مجازات‌هایی که امکان حذف بیماری در آن وجود دارد، کارشناسان اموزش‌دهنده و یادگیری قانونی حضور داشته باشد.

3- اقدامات درمانی

ارتقا گرم و توسیع مهر وی را مستحکم می‌کند. قانون‌گذاری مجازات‌های جرمی را به صورت جداگانه تعیین نموده است. از این رو مجازات مرتکب می‌کند است قطع دست، شلاق، حبس و... باشد. با اجرای مجازات، مرتکب به سزا باید به سزا گذاشته شود. این در زمان امتحانیستانی حفظ شده و نیابت به بیش از حدی که سزاوار است محاکمه را تعلیم درد و رنج نمود. به همین جهت محاکمه علیه در مراحل اجرای حکم از حقوق برخوردار است که این حقوق بر اساس اصول دارسی عادلانه مجزی است و عدم رعایت آن تهدیدی علیه مؤلفه‌های نظام دارسی منصفانه است. از جمله حقوق موردنظر، حق درمان محاکمه بیمار و همچنین محاکمه‌های است که در اثر اجرای مجازات دچار صدمه و نیابت به بیمار می‌شود.

قانون‌گذاری در پرخی موانع به انجام اقدامات درمانی اشاره کرده است. این زمینه ماده 445 قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد «مداوا و درمان روند مرتکب و بی‌حس‌کردن عضو او یا پس...
از اجرای قصاص عادی است. همچنین قسمت اخیر ماده ۲۴ «این نامه نحوه اجرای احكام قصاص، رحم، قتل، صلب اعدام و شلاق» در خصوص اقدامات درمانی پس از اجرای مجازات صلب، بایان نموده است که «پس از انقضای سه روز، الا اگر فوت کرده باشد، پس از انجام مراسم مذهبی دفن و در غیر اینصورت، اگر فوت رها می‌کند و جناхه نیاز به ارائه خدمات پزشکی داشته باشد، اقدامات درمانی پیامان خواهد بود.» در اجرای حکم صلب محاکوم را به چوب دار که شببه صلب تهیه شده، در حالتی که یکن به صلب و رو به قیبل بوده و پاهایش مقداری از زمین فاؤله عمودی می‌بندند و به مدت سه روز تحت حفاظت و مرافقت مامورین نبی‌ورو انتظامی به همان حال رها می‌کنند. پس از انقضای سه روز، اگر فوت کرده باشد، پس از انجام مراسم مذهبی دفن و در غیر اینصورت، رها می‌کند و جناهه نیاز به ارائه خدمات پزشکی داشته باشد، اقدامات درمانی پیامان خواهد بود.

البتنه در مواردی که محاکوم پس از اجرای اعدام با قصاص نقص زده مانده و یا با گودال حفرشده برای اجرای رحم فرار می‌کند نیز، فراهم سازی اقدامات درمانی ضرورت دارد. به همین جهت نیاز است تا در مجازات‌های همچنین قطع عضو و قصاص عضو و همچنین سایر مجازات‌هایی که در آن بیم تلف محاکوم می‌رود، پزشکی قانونی حضور داشته و سریعاً نسبت به انجام اقدامات درمانی اطلاع نماید.به‌نابراین در مورد تایید این فتا باید پزشکی قانونی تمهیدات لازم را انجام دهد. امکانات و چشم‌انداز محیط سازی را در محل مستقر نماید تا بلافاصله پس از اجرای حکم، در صورت نیاز عملیات درمانی را انجام دهد. در نهایت با توجه به آزادی محاکوم پس از اجرای مجازات، وی را به جهت درمان‌های تکمیلی به بیمارستان منتقل کند (۲۴).

نتیجه‌گیری

هرچند رسیدگی و صدور حکم بر عهده دادرس دادگاه و اجرای مجازات بر عهده قاضی اجرای احكام کیفری است، اما در این بین مواردی وجود دارد که بدون مداخله پزشکی قانونی، تحقیق نمی‌یابد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در موارد سیاسی از جمله تبعین معانی جراح، عمق جراح، بیمار تجاوز و سرایت، معانی ازکافی‌الذیت، اجرای تحقیق با عدم تحقیق دخول و تشخیص استعمال اکل و... بدون اظهار نظر پزشکان امکان صدور حکم وجود ندارد.
علاقه بر این، در زمینه اجرای مجازات نیز موارد متعددی از جمله بررسی توافقات تحقیق کیفر توسط محکوم، رعایت طول و عرض عضو مورد قصاص، بیهوش کردن محکوم و بی‌حس‌نمودن عضو وی قبل و بعد از اجرای مجازات و... وجود دارد که حضور پزشکان را ضرورت می‌خشد.

آنچه نگارنده‌اند را بر آن داشت تا به انجام این تحقیق اقدام نمایند، فقدان آزمون کامل و مستقل در خصوص نش و جایگاه پزشکی قانونی در دو مرحله حساب فرآیند کیفری، بعنی مراحل صدور حکم و اجرای مجازات است. نگارنده‌اند این تحقیق تلاش داشتند با بررسی مقررات مختلف و نزی روبه قضاطی، جلوه‌های مداخله پزشکی قانونی در دو مرحله را توصیف کرده و با آسیب‌شناسی و تحلیل خلاصهای موجود، راهکارها و پیشنهادهای اصلاحی جهت مداخله مطلوب‌تر و ارتقای پزشکی قانونی در این دو مرحله ارائه دهند.

توجه به اینگونه این پژوهش نشان می‌دهد که امرورز نیاز به تخصص پزشکی در برخی موارد، نیاز کنندگان این برداشت اشتباه است که قاضی در صدور حکم اختبار مطلق داشته و می‌تواند بدون توجه به نظریه پزشکی قانونی قطعی اقدام به صدور حکم نماید. صدور حکم در مواردی که اظهار نظر در خصوص آن، نیازمند برخوردی از نظر پزشکی است، باعث با پایه نظریه پزشکی قانونی باشد. در غیر این صورت حکم صادره از اعتبار لازم برخورد نمی‌دهد و نقض خواهد شد. هرچند قانون‌گذار به لازم بی‌توجهی مقام قضایی از نظریه پزشکی تصريح نکرده، این موضوع به جهت احترام به استقلال مقام قضایی در صدور حکم بوده است، با این نظر قانون‌گذار اظهار نظر پزشکی قانونی را شرط لازم برای صدور حکم دانسته است. در عین حال تأکید نهاد پزشکی قانونی به عنوان یکی از سازمان‌های زیرمجموعه دستگاه قضایی نیز می‌تواند دلیل دیگری بر این مدعای آزاد باشد.

قانون‌گذار با تصویب قواعد مختلف تلاش نموده است تا گام‌های پزشکان و نحوه مداخله آنان را تنظیم نماید. با این همه، همچنان جایگاه واقعی پزشکی قانونی تبیین نشده است. در خصوص تشکیل پرونده شخصیت قانون‌گذار نیا باید تأکید بر لازم انجام معاونات پزشکی، نحوه اقدام و چگونگی ملاقات پزشک با متهم و معانی وی را از یاد بره‌ده است. امیر که در بخش کشورهای نظیر فرانسه با تشکیل مرکز خاصی (ابسواسیون) به‌ریزی شده است، در حالی که در سازمان پزشکی قانونی ایران، جنبین نظری در وجود ندارد.
توجه به برخی از محاکم نشان می‌دهد که روبه قضاوت، در جرائم جنسی و گرفتار نظر پزشکی قانونی را تنها در جهت اثبات جرایم مذکور اخذ می‌نماید. امروز که با توجه به موضوع‌داستان ادله اثبات این گونه جرایم از اعتبار کافی برخورد نیست. این موضوع در حالی است که نظریه پزشکی قانونی در زمینه نفی جرایم بی‌خانمان، از اعتبار بیشتری برخوردار است. به همین جهت بهتر است در مواردی که امکان اظهار نظر پزشکی قانونی در جهت نفی جرایم وجود دارد، لزوماً نظریه پزشکی قانونی اخذ شود.

در زمینه مداخله پزشکی قانونی و امکان ممانعت از اجرای مجازات قانونی کننده تنها به معاینه محكوم بیش از اجرای مجازات اشتهار نموده است. این در حالی است که نیاز ماده ۵۰۲ قانون ثبیت کیفی در جهت تشخیص بروز بهم‌ارزی این اجرای مجازات حضور پزشک در حین اجرای مجازات را ضرورت می‌بخشد.

بنابراین می‌توان گفت تدوین مقررات جامع و شفاف در زمینه نحوه مداخله پزشکی قانونی در مرحله صدور حکم و اجرای مجازات می‌تواند نتایج مفیدی از جمله کاهش خطاهای قضایی، ارتقاء عدالت و افزایش اعتماد و رضایتمندی شهرنشینان از نظام قضایی را به دنبال داشته باشد.
جلوه‌های مداخله پسشکی قانونی در مراحل محاکمه و اجرای مجازات

References


25. داداش پور اشکازاری م، دلیل راد م، توفیقی ه، مهدوی س. لوگرین بررسی نشانه‌های زندانی کننده پروانه حقوقی در مرحله محاکمه و اجرای مجازات. فصلنامه حقوق پسشکی سال سیزدهم، شماره پنجاهم، پاییز 1398.

26. گدادزی ف، کیانی م. پزشکی قانونی. 11مین جلد. تهران: انتشارات سامت، 1394. صفحه 368. [فارسی]